

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

A Reflection on the Influence of Globalization of Criminal Procedure on the Presumption of Innocence and Its Resulting Obligations (A Comparative Study of Iranian Law and the European Union)

1. Mehdi Yousef Alizadeh: Department of Criminal Law and Criminology, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran
2. Abbas Sheikholeslami*: Department of Criminal Law and Criminology, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran. Email: abbassheikholeslami@iaau.ac.ir (Corresponding Author)
3. Farhad Shahideh: Department of Criminal Law and Criminology, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran

ABSTRACT

In recent decades, globalization as a process has influenced all dimensions of social life. Criminal law has not been an exception to this rule and has embraced the changes brought about by globalization in both substantive and procedural aspects. This study, employing a descriptive–analytical method and a comparative approach, aims to explain and evaluate the influence of the globalization of criminal procedure on the principle of presumption of innocence and its most important resulting obligations—namely, the necessity of informing the accused of the charges, the recognition of the right to silence, and the requirement to obtain the defendant’s final defense—in the legal systems of the European Union and Iran. The findings indicate that, with regard to the obligation of informing the accused of the charges, in both of the legal systems under study, the nature, gravity, or transnational character of the committed offense does not justify any deviation from the legal standards governing this obligation. Concerning the right to silence, the absence of its explicit mention in the European Convention on Human Rights, the interpretation of the European Court of Human Rights that treats silence as an indication of guilt in cases of organized crime and terrorism, and the departure from the right to silence in the laws and regulations concerning money laundering in the Iranian legal system collectively demonstrate its considerable susceptibility to the influence of the globalization of criminal procedure. Finally, regarding the requirement to obtain the defendant’s final defense, despite the lack of explicit mention in the European Convention on Human Rights and the absence of enforcement guarantees in the Iranian legal system, the examination of judicial practice in both systems reveals that the severity, nature, or cross-border dimension of the offense cannot serve as a justification for abstaining from obtaining the defendant’s final defense.

Keywords: *Final Defense, Presumption of Innocence, Informing the Accused of the Charges, Globalization, Right to Silence, Criminal Procedure.*

How to cite: Yousef Alizadeh, M., Sheikholeslami, A., & Shahideh, F. (2025). A Reflection on the Influence of Globalization of Criminal Procedure on the Presumption of Innocence and Its Resulting Obligations (A Comparative Study of Iranian Law and the European Union). *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(4), 1-16.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 25 January 2025
Revise Date: 03 April 2025
Accept Date: 10 April 2025
Publish Date: 22 December 2025



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

تأملی بر تأثیرپذیری اصل برائت و الزامات ناشی از آن از جهانی شدن دادرسی کیفری (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و اتحادیه اروپا)

۱. مهدی یوسف علیزاده: گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
۲. عباس شیخ الاسلامی*: گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. پست الکترونیک: abbassheikhholeslami@iau.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. فرهاد شاهیده: گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

در دهه‌های اخیر، جهانی شدن به مثابه یک فرآیند، تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی را متأثر از خویش کرده است. حقوق کیفری نیز از قاعده مزبور مستثناء نبوده و پذیرای تغییرات ناشی از جهانی شدن در ابعاد ماهوی و شکلی بوده است. در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و اتخاذ رویکرد تطبیقی به تبیین و ارزیابی تأثیرپذیری اصل برائت و مهمترین الزامات ناشی از آن (لزوم تفهیم اتهام، پذیرش حق سکوت و ضرورت اخذ آخرین دفاع از متهم) از جهانی شدن دادرسی کیفری در نظام‌های حقوقی اتحادیه اروپا و ایران پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در ارتباط با الزام تفهیم اتهام، در هر دو نظام حقوقی مورد اشاره، نوع، شدت و جهانی بودن جرم ارتكابی، مجوزی برای عدول از موازین قانونی مرتبط با الزام فوق‌الاشاره نیست. در خصوص حق سکوت متهم، عدم ذکر صریح آن در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و تلقی دیوان اروپایی حقوق بشر از حق سکوت به مثابه قرینه مجرمیت در جرائم سازمان‌یافته و تروریستی و عدول از موازین حق سکوت در قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با پولشویی در نظام حقوقی ایران، تأثیرپذیری قابل توجه آن از جهانی شدن دادرسی کیفری را نشان می‌دهد و در نهایت، در مورد اخذ آخرین دفاع از متهم، با وجود عدم تصریح در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و فقدان ضمانت اجرا در نظام حقوقی ایران، بررسی رویه قضایی در هر دو نظام حقوقی مورد اشاره، حاکی است که شدت، نوع و یا برون مرزی بودن جرم ارتكابی، مستمسکی به منظور استنکاف از اخذ آخرین دفاع از متهم نیست.

واژگان کلیدی: آخرین دفاع، اصل برائت، تفهیم اتهام، جهانی شدن، حق سکوت، دادرسی کیفری.

نحوه استناددهی: یوسف علیزاده، مهدی، شیخ الاسلامی، عباس، و شاهیده، فرهاد. (۱۴۰۴). تأملی بر تأثیرپذیری اصل برائت و الزامات ناشی از آن از جهانی شدن دادرسی کیفری (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و اتحادیه اروپا). پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۴)، ۱-۱۶.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۶ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۱ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ دی ۱۴۰۴



امروزه جهانی شدن به عنوان یک فرآیند گسترده و چندجانبه، تمامی جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. از آنجا که تمامی این عرصه‌ها در عین حال، تحت کنترل و سیطره نظم ناشی از حقوق ملّی حاکم بر جوامع مختلف می‌باشند، طبیعی است که تأثیرپذیری عرصه‌های پیش‌گفته از فرآیند جهانی شدن، حقوق حاکم بر این عرصه‌ها را نیز متأثر ساخته و در آستانه تغییر و تحول قرار داده است. البته حقوق، شاید از آخرین علوم می‌باشد که به جهانی شدن واکنش نشان داده است (Shahabi & Rahmati, Far, 2013) و دلیل آن را باید در محافظه‌کار بودن حقوق جستجو نمود (Nezhendi Manesh & Bazar, 2018)؛ با این وجود، امروزه جهانی شدن حقوق به عنوان یک واقعیت مسلم و غیرقابل انکار، در بستر سیاسی (توسعه لیبرالیسم)، حقوق اقتصادی، حقوق جزای بین الملل و حقوق بشر در حال تکوین و تحقق است (Halliday & Osinsky, 2006). نکته جالب توجه اینجاست که تأثیرات جهانی شدن، حقوق کیفری - که همواره نماد حاکمیت ملّی و اقتدار دولت‌ها بوده است - را نیز درنوردیده و این عرصه را در ابعاد مختلف ماهوی و شکلی آن، متأثر از خود ساخته است. در حوزه حقوق کیفری ماهوی، پیدایش گونه‌های نوین بزهکاری (همچون پولشویی، جرائم سازمان یافته‌ی فراملّی، تروریسم، قاچاق بین‌المللی مواد مخدر، قاچاق برون مرزی انسان، جرائم سایبری و ...) موجب دگرگونی در ساز و کارهای جرم‌انگاری و تعیین ضمانت اجرای کیفری در نظامهای مختلف حقوقی گردیده است. در حوزه حقوق کیفری شکلی نیز تأثیرپذیری اصول دادرسی کیفری از پیامدهای جهانی شدن، امری اجتناب ناپذیر گردیده است. بر مبنای مجموع آنچه گفته شد، در مقاله پیش‌روی درصدد هستیم تا با روش توصیفی - تحلیلی و اتخاذ رویکرد مقایسه‌ای، تأثیرپذیری اصل برائت به عنوان یکی از مهمترین اصول دادرسی کیفری و همچنین الزامات ناشی از آن را از فرآیند جهانی شدن دادرسی کیفری، در نظامهای حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، مورد مذاقه و ارزیابی قرار دهیم؛ بر این مبنای پرسش اصلی پژوهش، چگونگی و میزان تأثیرپذیری اصل برائت و الزامات برآمده از آن، از فرآیند جهانی شدن دادرسی کیفری در دو نظام حقوقی مورد اشاره است. لازم به ذکر است که در ارتباط با حقوق اتحادیه اروپا، تمرکز اصلی بر مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه و آرای صادره از جانب دیوان اروپایی حقوق بشر خواهد بود. در ارتباط با نظام حقوقی ایران، علاوه بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برخی قوانین و مصوبات پراکنده‌ی مرتبط با اصول مورد اشاره نیز در تحلیل و ارزیابی، مطمح نظر خواهند بود. بدیهی است که پیش از ورود به مبحث اصلی، آشنایی مختصر با مفاهیم بنیادین آن و ابهام زدایی از آن‌ها مفید فایده خواهد بود.

۱- مفاهیم پژوهش

مفاهیم در حوزه علوم انسانی، بنیادی‌ترین عنصر و کوچکترین جزء تشکیل دهنده نظریات اند و در عین حال، آسیب‌زاترین بخش، به سبب احتمال بدفهمی‌های فراوان و دامن زدن به مجادلات بی سرانجام بی خصوصاً اگر آن موضوع، در اوان شکل‌گیری و نظریه پردازی باشد و هنوز مجال کافی برای جرح، اصلاح، شرح و ایضاح مفاهیم اصلی خویش را نیافته باشد.

۱-۱- جهانی شدن

«آنتونی گیدنز» از مشاهیر جامعه شناسی بریتانیا، جهانی شدن را فرآیندی می‌داند که سبب درهم تنیدگی روابط اجتماعی در نقطه نقطه‌ی جهان شده است؛ بدین نحو که رویدادهای محلی از رویدادهایی که با آن‌ها فرسنگ‌ها فاصله دارند، تأثیر می‌پذیرند و بالعکس. از منظر وی، این فرآیند را می‌توان به سان دیالکتیکی فرض نمود که رخدادهای محلی، امکان این را می‌یابند که در جهت عکس همان روابط دوردستی به حرکت درآیند که به آن شکل می‌بخشند (Giddens, 2020). «رولند رابرتسون» دیگر جامعه شناس بریتانیایی، جهانی شدن را درهم فشردن

جهان و تبدیل آن به مکان واحد دانسته و آن را یک فرآیند کم و بیش مستقل معرفی می‌کند که منطق، جهت و نیروی محرک خود را دارد. به اعتقاد رابرتسون، جهانی شدن از طریق فرآیندی که وی آن را خاص شدن عام و عام شدن خاص می‌نامد، به طور فزاینده‌ای از جوهر فرهنگ و بازانندیشی سرشار می‌شود (Robertson, 2014). با توجه به دو تعریف اشاره شده، بایستی گفت که جهانی شدن، فرآیندی کارا و پویاست که با چشم پوشی از عوامل متکثر مرزآفرین نظیر جغرافیا، سیاست و فرهنگ، در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی ... به تقریب و پیوند ایده‌ها (نه یکسان سازی^۱)، راهبردها و عملکردها در سطح جهان منتج شده است.

۲-۱- جهانی شدن دادرسی کیفری

با وجود ارتباط مستحکم میان حقوق کیفری (به مثابه مهم‌ترین شاخه حقوق عمومی) با حاکمیت ملی دولت‌ها و به تبع آن، تأثیرپذیری قواعد حقوقی ناظر بر جرم انگاری، کشف جرم، تعقیب، محاکمه و مجازات، از ملاحظات امنیتی و حاکمیتی دولت‌ها به‌عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار، شکل‌گیری گونه‌های نوین بزهکاری ناشی از فرآیند جهانی شدن، باعث گردیده که حقوق کیفری داخلی کشورها (بالاخص قواعد حقوق کیفری شکلی) مانند گذشته، توانایی مقابله با اشکال و گونه‌های نوین بزهکاری را نداشته باشد. وضعیت مزبور موجب شده تا کشورها درخصوص نحوه برخورد با جرم، توافق‌های گسترده‌ای انجام دهند که توافقات مزبور بر حقوق ملی و داخلی آن‌ها نیز تأثیرگذار است. بدین ترتیب، شیوه‌های نوین مواجهه با جرم در سطح جهان ایجاد شده و این فرآیند، به سوی جهانی شدن حقوق کیفری شکلی (دادرسی کیفری) پیش می‌رود. جهانی شدن و هماهنگ نمودن حقوق کیفری کشورهای مختلف، در پرتو ارائه اصول مشترک مندرج در اسناد، معاهدات، کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی می‌باشد؛ به عنوان نمونه، تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد در سال ۲۰۰۳، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی در سال ۲۰۰۰ و همچنین کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تروریسم در سال ۱۹۹۹ را می‌توان مصادیقی از جهانی شدن حقوق کیفری (بالاخص حقوق کیفری شکلی) به منظور پاسخ‌دهی به جرائم جهانی شده تلقی نمود.

۳-۱- اصول دادرسی کیفری

دادرسی کیفری از دیرباز، صحنه مواجهه دو اولویت و هدف گاه متضاد بوده است: نخست؛ صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی و دوم؛ حفظ نظم و امنیت عمومی. به نظر می‌رسد اصول دادرسی کیفری (قانون‌مندی، برابری، بی‌طرفی و استقلال مقام قضایی و رسیدگی در مهلت معقول) به منظور دستیابی به کارایی در ایجاد تعادل و توازن میان دو اولویت پیش‌گفته، به مرور زمان شکل گرفته و مورد اجماع نسبتاً گسترده‌ای اسناد منطقه‌ای، کنوانسیون‌های بین‌المللی و نیز نظام‌های حقوقی مختلف واقع گردیده‌اند؛ بنابراین آنچه گفته شد، میتوان مدعی گشت که خصیصه اصلی دادرسی کیفری، مفید و محدود شدن آن به الزامات و بایسته‌هایی است که از آنها، تحت عنوان «اصول دادرسی کیفری» یاد میشود.

۱. unification - یکسان سازی، گرایشی آرمان‌گراست که خواهان یکسان شدن قوانین و مقررات در همه کشورهاست. انتخاب این استراتژی معمولاً با مقاومت

حاکمیت دولت‌ها و موانع سیاسی روبروست (Babaei Rad & Malmir, 2020)

۲ - هدف اصلی اینگونه معاهدات، تسهیل همکاری بین‌المللی در زمینه مبارزه با انواع گوناگون جرائم سازمان یافته عمدتاً فراملی است. دولت‌هایی که عضو این معاهدات شده‌اند، بعضی از رفتارهای خاص را جرم انگاری کرده‌اند. علاوه بر این، ظرفیتهای عدالت کیفری خود را نیز برای همکاری در مبارزه مؤثر با چنین جرائمی افزایش داده‌اند. (نمامیان، ۱۳۹۰: ۶۴). با وجود امضای سند پذیرش کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته (پارامو) در سال ۲۰۰۰ توسط ایران، نظام تقنینی، رویکرد دقیق و منسجمی در قبال تعریف و جرم انگاری این دسته از جرائم نداشته است و تاکنون نیز سند الحاق به کنوانسیون، به رغم تصویب لایحه در مجلس، فرآیند نهایی تصویب را طی ننموده است (Mojimi & Sofi Zomorrod, 2018)

اصول مزبور، مبانی مستحکمی هستند که از انحراف روند دادرسی از عدالت، جلوگیری به عمل آورده (Brems & Lavrysen, 2013) و بر پایه پاسداشت کرامت انسانی به وجود آمده و وضع گردیده اند. توجه به اصول دادرسی کیفری، موجب رفع اتهام و اعاده حیثیت از افراد بی گناه خواهد گردیده و علاوه بر تضمین آزادیها و حقوق شهروندان، دفاع اجتماعی و تثبیت نظم عمومی را نیز در پی خواهند داشت (Moazzin Zadegan, 2000).

۱-۴- اصل برائت

یکی از اصول بسیار مهمی که در اجرای عدالت کیفری نقش بنیادین بازی می‌کند، «اصل برائت» است. اصل برائت به معنی فرض بی‌گناهی متهم میباشد و منظور از آن، مصونیت بخشیدن به افراد عادی از تعرض سایرین به ویژه صاحبان قدرت و قوای عمومی است (Shamloo, 2002). به موجب این اصل، بایستی بنا را بر بی‌گناهی افراد گذاشت؛ مگر اینکه طی رسیدگی صحیح و عادلانه، جرم در محکمه‌ی صالح قانونی ثابت شود. در نظر نگرفتن اصل برائت، این نتیجه را به همراه دارد که از متهم درخواست گردد با ارائه دلیل و مدرک، اتهام را از خویش نفی کرده و بی‌گناهی خود را به اثبات رساند و بسیار روشن است که این امر، همواره ممکن نیست؛ بلکه گاهی غیرممکن است و در نتیجه، انسان بی‌گناهی که به هر دلیلی نتوانسته بی‌گناهی خود را به اثبات رساند، مجازاتی را تحمل می‌کند که سزاوار آن نیست و این معنایی جز بیدادگری ندارد (Asadi, 2009). لازمه اعتبار اصل برائت در ساختار مبناشناسی حقوق دادرسانه بشری، تنظیم و اعمال پاره‌ای از شاخص‌های عدالت گسترانه است (Habibzadeh & Sadeghi, 2016)؛ به بیان دیگر، پذیرش اصل برائت، موجب پدیداری بایسته‌ها و الزاماتی در فرآیند رسیدگی کیفری برای ضابطین دادگستری، قضات و سایر کنشگران ذی‌مدخل در این عرصه می‌گردد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به لزوم تفهیم اتهام، پذیرش حق سکوت و نیز ضرورت اخذ آخرین دفاع از متهم اشاره نمود.

۲- تأثیرپذیری اصل برائت از جهانی شدن دادرسی کیفری

پیچیدگی ارتکاب برخی از جرائم ناشی از جهانی شدن جرم که به نوبه خود، پیچیدگی اثبات وقوع جرم را به دنبال داشته، قانونگذاران را به تعدیل اصل برائت و معکوس کردن بار اثبات واداشته است؛ به بیان دیگر، معکوس شدن بار اثبات دلیل یا تقدم اماره‌ی مجرمیت بر اصل برائت، یکی از آثار جهانی شدن جرم در دنیای معاصر است (Najafi Abherndabi, 2005)؛ توضیح مطلب اینکه اثبات مجرمیت بزهکاران سازمان‌یافته یا تعقیب و شناسایی اعضای سازمان‌های مجرمانه - که اغلب فراملی و جهانی است - باعث شده است که اقدامات مقامات انتظامی و قضایی دشوار گردد، لذا در این حوزه با رعایت اصول دادرسی عادلانه، اصل برائت جای خود را به اماره مجرمیت داده است (همان). علاوه بر آنچه گفته شد، توجه به حفظ امنیت ملی و بین‌المللی به واسطه شدید بودن آثار جرائم سازمان‌یافته نیز سبب شده است تا اصول و قواعد پذیرفته‌شده در فرآیند دادرسی حقوق جزای کلاسیک مانند اصل برائت تا حدی متزلزل شود و از آن‌ها به نفع حمایت از منافع عامه و دولت‌ها عدول گردد (Javanmard, 2014). همانگونه که پیشتر نیز گفته شد، لزوم تفهیم اتهام، پذیرش حق سکوت و نیز ضرورت اخذ آخرین دفاع از متهم از مهمترین بایسته‌ها و الزامات ناشی از پذیرش اصل برائت هستند؛ بنابراین در این قسمت، ذیل سه عنوان مجزاً به بررسی تأثیر جهانی شدن بر الزامات و بایسته‌های مزبور در حقوق ایران و اتحادیه اروپا می‌پردازیم.

۲-۱- لزوم تفهیم اتهام و جهانی شدن دادرسی کیفری

لازمه رعایت اصل برائت و همچنین حمایت از حق دفاع متهم در دفع یا رد اتهام نسبت داده شده (Ghasemi Moghadam, 2015) در هر مرحله از فرآیند دادرسی کیفری، آگاهی متهم از موضوع اتهام و دلایل آن است؛ به همین دلیل، پس از توقیف متهم، اولین اقدامی که پلیس و ضابطین دادگستری می‌بایست انجام دهند، تفهیم موضوع اتهام است. منظور از تفهیم اتهام، آن است که هر متهمی از ماهیت اتهام جزایی خود، قبل از شروع تحقیقات مطلع باشد تا بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه کند (Montazeri Asadi, 2006). در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، مطابق بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «موضوع اتهام و همچنین دلایل آن، می‌بایست سریعاً توسط مرجع قضایی به متهم ابلاغ شود و این فرد از دلایل اتهام یا دستگیری خود، فوراً مطلع شود». همچنین به موجب بند ۳ الف) ماده ۶ کنوانسیون مزبور: «هر شخص که در مظان اتهام قرار گیرد، حق دارد در کوتاه‌ترین مدت و به زبانی که برای او قابل فهم است، به تفصیل از ماهیت اتهامی که بر او وارد آمده است، آگاه گردد». در دعوای مطروحه «سعدی علیه دولت بریتانیا»، دیوان تأخیر ۷۶ ساعته در اطلاع و آگاهی از موضوع اتهام به متهم از سوی دادگاه انگلستان را مغایر با اهداف کنوانسیون دانست. همچنین در پرونده «فلیشر و ساسی علیه دولت فرانسه» که دادگاه رسیدگی‌کننده، اتهامات علیه متهمان را بدون موکل کردن وقت رسیدگی به زمان دیگر، محرمانه نگه داشته بود و بنابراین، آن‌ها فرصت آماده شدن برای دفاع پیدا نکردند، دیوان تصریح نمود که هدف تفهیم اتهام، آماده شدن متهم برای دفاع از خود در مرجع قضایی است؛ لذا باید به پذیرش دعوای متهمان، اقدام نمود (Mahmoudi Janki & Jalil Piran, 2021). دیوان در پرونده‌ای دیگر که معلوم شد توصیف مجدد جرم، موجب شده تا علاوه بر عدم آگاهی دقیق متهم از دلایل و ماهیت اتهام خود، اتهام جدیدی هم علیه او وارد شود و همین طور از وقت کافی و تسهیلات لازم برای دفاع از خود محروم شود، رأی به نقض تحقیقات و نتایج دادرسی‌های قبلی داد (Bahrami, 2012). دیوان اروپایی حقوق بشر نیز با استناد به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین پروتکل‌های الحاقی به آن، مبادرت به صدور رویه‌های قضایی در مورد اصول تضمین‌کننده دادرسی منصفانه از جمله تفهیم اتهام به متهمان می‌نماید و دولت‌های اروپایی عضو را به تمکین از آن رویه‌ها، الزام نموده است (Mahmoudi & Jalil Piran, 2021). بررسی رویه دیوان، نشان دهنده آن است که ارتکاب جرائم سازمان‌یافته و شدید نیز مجوز تخطی از موازین تفهیم اتهام نیست؛ به عنوان نمونه در «پرونده ایرلند علیه بریتانیا» دیوان بر این مسأله تأکید نمود که صرف اطلاع و اعلام رسمی از سوی مقام صالح قضایی به شخص متهم از جهت بازداشت به دلیل اقدامات امنیتی، کافی نیست و این امر، به معنای تفهیم اتهام نخواهد بود و می‌بایست به ماهیت، پایه، اساس و دلیل بازداشت متهم نیز از سوی مراجع قضایی اشاره و به متهم کاملاً بیان شود (Mahmoudi Janki & Jalil Piran, 2021). در نظام حقوقی ایران و در ارتباط با ضرورت تفهیم اتهام، به موجب قسمتی از اصل ۳۲ قانون اساسی: «... در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود». ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مقرر می‌دارد: «چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، ماده مذکور تنها به تفهیم اتهام در جرائم مشهود و در صورتی که نگهداری شخص برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، اشاره دارد. در خصوص جرائم غیرمشهود نیز، ضابطان مطابق با ماده ۶، مواجه با تکلیف آگاهانیدن اتهام و دلایل آن هستند؛ زیرا ماده اخیر، حق اطلاع متهم از اتهام خود و ادله آن را محدود به فرآیند خاصی از دادرسی یا مقام خاصی نکرده است (Mahra & Mahmoudian Isfahani, 2017)؛ از این رو، ضابطان بر پایه مواد ۶ و ۴۶ به تفهیم اتهام و ادله آن به متهم (در جرائم مشهود و غیرمشهود) مکلف شده‌اند. نکته قابل ذکر دیگر این است که با وجود اینکه اصل ۳۲ ق.ا. به صراحت از تفهیم اتهام به متهم سخن گفته و برای کسانی که از آن تخلف کنند، ضمانت اجرای

کیفری قائل شده است؛ ولی آن را مقید به کسانی کرده است که دستگیر شده‌اند. علی‌رغم صراحت اصل فوق، هیچ قانون عادی که به روشنی، عدم تفهیم اتهام و یا تأخیر در آن را قابل مجازات بدانند، تاکنون به تصویب نرسیده است و رویه قضایی نیز در این خصوص دستاوردی نداشته است (Ghadamian Sheikh Abadi, 2017). به نظر می‌رسد همانند حقوق اتحادیه اروپا (بر مبنای رویه دیوان اروپایی حقوق بشر) در نظام دادرسی کیفری ایران نیز ارتکاب جرائم مهم و سازمان‌یافته (جرائم ناشی از جهانی شدن)، مجوز تخطی از موازین تفهیم اتهام توسط ضابطان و کنشگران قضایی نیست. با وجود عدم پیش‌بینی ضمانت اجرا در قبال تخطی از موازین تفهیم اتهام در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، در رویه قضایی جاری، صدور حکم محکومیت بدون انجام تفهیم اتهام، حسب مورد فاقد وجاهت قانونی^۱، خلاف قواعد آیین دادرسی کیفری^۲ و نیز از موجبات نقض حکم در دادگاه تجدیدنظر استان^۳ شناخته شده و تفکیکی از حیث نوع و شدت جرم ارتکابی در این موضوع، به عمل نیامده است. اهمیت تفهیم اتهام از منظر رویه قضایی، تا حدی است که در مواردی حتی صدور رأی برائت متهم بدون انجام تفهیم اتهام نیز از موارد نقض رأی در مرجع عالی قلمداد گردیده است.^۴

۲-۲- پذیرش حق سکوت متهم و جهانی شدن دادرسی کیفری

حق سکوت متهم از جمله حقوقی است که مهیا کننده زمینه به منظور برخورداری متهم از دادرسی منصفانه است؛ به بیان دیگر در صورت ایراد اتهام به یک شخص و با در نظر گرفتن اصل برائت، مشارالیه الزامی به دادن پاسخ به منظور دفاع از خویش ندارد؛ به همین نسبت، حق اجبار نمودن وی به دادن پاسخ به پرسش‌های مطروحه نیز از مقام قضایی و مقام تحقیق سلب خواهد گردید (Hajideh Abadi & Akrami, 2010). در نظام حقوقی اتحادیه اروپا و در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به حق سکوت متهم، اشاره‌ای نشده است؛ اما دیوان اروپایی حقوق بشر، حق مزبور را براساس معیارها و استانداردهای بین‌المللی از جمله برخورداری از یک رسیدگی عادلانه کیفری که در بند اول ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصریح شده، به رسمیت شناخته است؛ چرا که به بیان دیگر، هیچ کس متعهد نیست که زندگی یا آزادی خود را با پاسخ به سؤالاتی در فرآیند قضایی به خطر بیندازد. بدیهی است که در این شرایط رعایت اصل نفی خوداتهامی، مستلزم اعلام حق سکوت به متهم از سوی پلیس است (Salehi, 2020). دیوان اروپایی حقوق بشر در دو رأی صادره در ۱۸ اکتبر ۱۹۸۹، ضمن به رسمیت شناختن حق سکوت، آن را در زمره حقوق دفاعی متهم تلقی کرد (Delmas-Marty, 2008). دیوان همچنین در «پرونده هنی و مک گوئینز علیه دولت ایرلند»، چنین رأی داد: «اگرچه در ماده ۶ کنوانسیون، صراحتاً ذکر نشده اما حق سکوت و حق مصونیت از خوداتهامی، عموماً براساس معیارها و استانداردهای بین‌المللی از جمله برخورداری از یک رسیدگی منصفانه کیفری که در بند اول ماده ۶ تصریح شده، به رسمیت شناخته شده است». در واقع استدلال دیوان، این است که این حق (حق سکوت و حق مصونیت از خوداتهامی) به منظور حمایت از متهم در مقابل اجبار نادرست مقام تعقیب و همچنین اجتناب از انحراف عدالت و عدم تحقق اهداف ماده ۶ باید مورد توجه قرار گیرد (Golkhandan et al., 2010). در «پرونده جی.بی. علیه دولت سوئیس» نیز متهم به دیوان شکایت کرده بود که ملزم به ارائه اسنادی شده است که می‌توانست منجر به محکومیت او شود. او به خاطر اجتناب از ارائه اسناد مذکور، مجبور به پرداخت جریمه‌ی نقدی شده بود.

۱ - دادنامه صادره از شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور به تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۶، موجود در سامانه ملی آرای قضایی: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/34656>

۲ - دادنامه صادره از شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور به تاریخ ۱۳۹۴/۰۱/۱۵، موجود در سامانه ملی آرای قضایی: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/22486>

۳ - دادنامه صادره از شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به تاریخ ۱۳۹۵/۰۹/۰۳، موجود در سامانه ملی آرای قضایی:

<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/33329>

۴ - دادنامه صادره از شعبه ۹ دیوان عالی کشور به تاریخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۸، موجود در سامانه ملی آرای قضایی: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/25195>

از این جهت به دیوان شکایت کرده و مدعی شد که حق او بر ماده‌ی ۲ نقض شده است. از نظر دیوان: «در این پرونده، مقامات تلاش می‌کردند تا متهم را مجبور به ارائه اسنادی نمایند که متضمن اطلاعاتی در مورد درآمد فرد و مسئولیت او برای پرداخت مالیات بوده است و نباید فراموش کرد آن اسناد می‌توانستند ادله‌ای را ارائه کنند که ممکن بود علیه متهم مورد استفاده قرار گیرد. در نتیجه جرمه‌های تحمیل شده به متهم برای عدم ارائه اسنادی که می‌توانستند منجر به محکومیت شوند، حق متهم بر سکوت و امتیاز منع خود اتهامی را نقض کرده‌اند» (Khalili, 2020). علی‌رغم مطرح شدن سکوت متهم به عنوان یک حق، چالش‌هایی نیز در این زمینه به وجود آمده است؛ چرا که با پذیرش حق سکوت متهم، توازن موجود میان حفظ مصالح و منافع عمومی از یک طرف و حمایت از حقوق شهروندی افراد از طرف دیگر، به هم می‌خورد (Habibzadeh & Sadeghi, 2016). فرآیند جهانی شدن جرم و گسترش ارتکاب جرائم سازمان یافته‌ی تروریستی متعاقب آن، صدای مخالفین حق سکوت متهم مبنی بر ضرورت اصلاح قوانین مرتبط با این حق را بلندتر نموده که معتقد به بازی گرفتن نظام عدالت کیفری توسط مجرمان با سابقه و خطرناک از طریق سوءاستفاده از حق سکوت هستند (Moghadasi, 2007). با وجود آنچه گفته شد، وارد آوردن استثناء بر حق سکوت در برخی نظام‌های حقوقی اروپایی، مورد پذیرش واقع نگردیده است؛ به عنوان نمونه، به موجب ماده ۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، هیچ استثنایی (از جمله نوع جرم و شدت جرم ارتكابی) برای حق سکوت، ذکر نشده است. با این وجود، در نظام حقوقی ایرلند، طبق بخش چهارم قانون عدالت جزایی اصلاحی ۲۰۰۷، در دعاوی مربوط به جرائمی که مجازات زندان آن‌ها پنج سال به بالاست (که عمده جرائم سازمان یافته، تروریستی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، پولشویی و ... در این دسته جای می‌گیرند) اجازه تفسیر سکوت متهم در شرایط خاص علیه او داده شده است؛ به عنوان مثال، سکوت متهم در برابر پرسش‌های مربوط به حضور او در مکان خاص هنگام وقوع جرم و در تصرف داشتن شیء خاصی که می‌تواند در ارتباط با مداخله متهم در ارتکاب جرم تلقی شود، می‌تواند علیه متهم تفسیر شوند (Hajideh Abadi & Akrami Sarab, 2010). همسو با نظام‌های اخیر، دیوان اروپایی حقوق بشر در «پرونده مورای علیه دولت انگستان» به رغم پذیرش اینکه نمی‌توان فقط بر مبنای سکوت، حکم به محکومیت متهم داد؛ ولی سکوت را به عنوان قرینه و مؤیدی برای ادله ارائه شده علیه متهم، معتبر تلقی کرد (Mensah, 2002). از مجموع آنچه گفته شد، می‌توان اینگونه استنباط نمود که پدیداری گونه‌ها و شیوه‌های نوین بزهکاری متأثر از جهانی شدن جرم، تلقی قانونگذاران کیفری از حق سکوت متهم را دستخوش تغییر و تعدیل نموده و تلقی انحصاری حق سکوت به برائت متهم را نیز از بین برده است. در نظام حقوقی ایران و مرتبط با پذیرش حق سکوت متهم، با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲، برای کاهش اختیارات ضابطان و دادرسان تحقیق و همزمان تعیین ضمانت اجرا در مورد آنان از یکسو و تقویت تضمین‌های حقوقی، قضائی و انسانی متهم در فرآیند کیفری از سوی دیگر، تلاش شده است (Saqian, 2014)؛ به همین منظور در کنار پذیرش صریح فرض برائت در راستای تأمین کرامت انسانی (ماده ۴) و نیز لزوم آگاه نمودن متهم از حقوق قانونی خود در فرآیند دادرسی (مواد ۵ و ۶) و تفهیم آن به متهم از سوی ضابطان دادگستری (ماده ۵۲)، در ماده ۱۹۷ قانون جدید، قانونگذار صریحاً مقرر نموده است: «متهم میتواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید میشود». بدین ترتیب میتوان پذیرش صریح سکوت متهم را در قانون جدید، گامی مثبت در تضمین دادرسی منصفانه دانست؛ همچنین با توجه به اینکه «عدم امضای اظهارات» نیز در ردیف عدم پاسخگویی به سئوالات دانسته شده است، میتوان قائل به توسعه گستره این حق در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شد (Habibzadeh & Sadeghi, 2016). بایستی توجه داشت که ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، مؤید اطلاق استفاده متهم از حق سکوت است؛ بنابراین پلیس در تمام بازرجویی‌ها اعم از اینکه متهم آن تحت نظر قرار گرفته باشد، بازداشت شده

باشد یا آزاد باشد، ملزم به تبعیت از مقررات مواد ۵۲، ۶۱ و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری است. بر این اساس، تصریح ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری به تفهیم حقوق متهم پس از تحت نظر قرار گرفتن وی است، لیکن رویه پلیسی فراتر از این محدوده و تسری آن به وضعیت‌های دیگر است. پلیس قبل از هر نوع بازجویی از متهم، ولو اینکه متهم با احضاریه در کلابتری حضور یافته باشد و تحت نظر یا بازداشت وی نباشد، پس از قرائت شکایت یا گزارش وقوع جرم علیه وی، باید بلافاصله برگ‌های حاوی حقوق متهم در مرحله بازجویی را به امضای وی برساند و آن را در پرونده وی قرار دهد (Salehi, 2021). با وجود آنچه گفته شد، در پی گسترش دامنه ارتکاب جرم پولشویی بر اثر پیشرفت فناوری و نیز بسط ارتباطات برون مرزی و جهانی، قانونگذار کیفری ایران به منظور مقابله سریع با جرم مزبور، در مواردی از اصل برائت و یکی از مهمترین الزامات آن یعنی حق سکوت متهم، عدول نموده است. در آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۱۱ به لزوم احراز هویت اشخاص و عدول از قواعد «رازداری بانکی» در ماده ۲ اشاره شده است و یکی از وظایف واحد مسئول مبارزه با پولشویی «تأمین اطلاعات تکمیلی مورد نیاز واحد اطلاعات مالی و سایر مراجع که در امر مبارزه با تروریسم ذی‌صلاح می‌باشند» معرفی شده است. نکته قابل ذکر این است که طبق مفاد تبصره ۱ ماده ۲۶ آیین‌نامه فوق‌الذکر، ارائه دهندگان وجه نقد بیش از سقف مقرر - یعنی مشتریان - موظف‌اند توضیحات مورد نیاز مذکور در فرم ابلاغ شده را به مقامات ذی‌صلاح ارائه نمایند. ماده ۲۷ نیز مقرر نموده است که گزارش معاملات مشکوک، بیانگر هیچگونه اتهامی به افراد نیست. مشکلی که در اینجا پیش می‌آید، این است که به واسطه تبصره ۱ ماده ۲۶، یکی از آثار برائت تحت عنوان «تکلیف مقام تعقیب یا شاکی خصوصی به ارائه دلیل» مورد چشم‌پوشی قرار گرفته است و این مشتری است که باید توضیحات مورد نیاز در خصوص منشأ مشروع کسب مبالغ مزبور را بیان کند. حال چنانچه مشتری نتواند یا اینکه نخواهد توضیحات مزبور را ارائه کند، به نظر می‌رسد که در اینجا حق سکوت متهم نقض گردیده است (Shahriari et al., 2020). درست است که ماده ۲۷ آیین‌نامه، گزارش معاملات مشکوک به مقامات ذی‌صلاح را بیان‌گر هیچ‌گونه اتهامی به افراد ندانسته است، لیکن نتیجه عملی بار شده بر این رویه‌ی پیش‌بینی شده در آیین‌نامه، چیزی جز نقض سکوت متهمان نخواهد بود.

۲-۳- اخذ آخرین دفاع از متهم و جهانی شدن دادرسی کیفری

آخرین دفاع در واقع آخرین مرحله در دادسرا و دادگاه برای متهم، به جهت دفاع از خود است تا دفاعیات خود را مطرح کند. متهم چه در پایان تحقیقات و چه در پایان دادرسی، قبل از اعلام ختم تحقیقات و دادرسی، آخرین دفاعیات خود را مطرح می‌کند. آخرین دفاع، دلائلی است که متهم بر پایه اصل برائت برای تبرئه شدن، تخفیف یا تعلیق ارائه میکند (Goldoust Jouybari et al., 2018). فلسفه اخذ آخرین دفاع این است که برای تأمین بیشتر حقوق دفاعی متهم به او یادآوری می‌شود که دلائل ابرازی او کافی نبوده و به او فرصت داده می‌شود تا اگر دلائل جدیدی دارد بیان کند؛ در اسناد بین‌المللی، اشاره صریحی به این حق نشده است (Salehi & Sokhanvar, 2010). در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، اگرچه در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به لزوم اخذ آخرین دفاع از متهم در پایان مرحله تحقیقات مقدماتی و یا مرحله رسیدگی و صدور حکم، صراحتاً اشاره نشده است، لیکن در حقوق کشورهای مختلف اروپایی، قانونگذاران کیفری، پابندی خویش راه به الزام مزبور نشان داده‌اند؛ به عنوان نمونه در نظام کیفری فرانسه و به موجب قانون آیین دادرسی این کشور، در جلسه رسیدگی دادگاه‌های خلاف و جنحه، پس از اظهارات مدعی خصوصی و کیفرخواست دادسرا، اظهارات متهم استماع می‌شود؛ سرانجام متهم یا وکیل وی در صورت تقاضا، می‌تواند اظهارات خودشان را در آخر بیان کنند ولی در دیوان جنایی فرانسه، آخرین دفاع را وکیل متهم مطرح میکند (Shakeri & Narimani Konari, 2013). درخصوص ضمانت اجرای عدم اخذ آخرین دفاع از متهم، علاوه بر مندرجات ماده ۱۷۱ و بطلان تحقیقات

انجام شده، رویه قضایی نیز در صورتی که تحقیقات مقدماتی بدون اخذ آخرین دفاع از متهم، پایان یافته و لطمه به منافع طرف‌های دعوا را همراه داشته باشد، می‌تواند آن را بی‌اعتبار اعلام کند. در بستر جهانی شدن، ظهور جرائم سازمان‌یافته و تغییر گفتمان حقوق کیفری عدالت‌محور و شهروندمدار به سمت حقوق کیفری دشمن‌مدار، نظام عدالت کیفری به برقراری نظم و احیای امنیت در جامعه و عدالت اجتماعی بیشتر از عدالت فردی توجه می‌نماید. بنابراین، گاه توجه به امنیت در اجتماع به واسطه شدت و اهمیت جرائم باعث می‌شود تا از برخی اصول و قواعد پذیرفته‌شده در فرآیند دادرسی مانند اصل برائت و ملزومات آن (از جمله لزوم اخذ آخرین دفاع از متهم) عدول گردد (Javanmard, 2014). علیرغم آنچه گفته شد نه در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و نه در نظام‌های دادرسی کیفری اروپایی، تصمیم و مقرره‌ای مشاهده نمی‌گردد که شدت و نوع و یا برون مرزی بودن جرم ارتكابی را مستمسکی به منظور استنکاف از اخذ آخرین دفاع از متهم قرار دهد. به عنوان نمونه در نظام حقوقی فرانسه، بعد از پایان تحقیقات مقدماتی، وقتی که بازپرس کلیه اقدامات مربوطه را که مفید می‌داند انجام داد، باید طبق ماده ۱۷۵ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری، «قرار ختم تحقیقات مقدماتی» را صادر نماید؛ صدور قرار مزبور، بازپرس را از رسیدگی فارغ می‌کند. قبل از صدور این تصمیم، مطابق ماده فوق‌الاشاره، بازپرس (صرف نظر از نوع و شدت جرم ارتكابی) موضوع را شفاهی یا با نامه سفارشی به متهم یا وکیل وی اطلاع می‌دهد. متهم ظرف یک ماه، در صورت بازداشت بودن و ظرف سه ماه در حالات دیگر، آخرین دفاع و ملاحظات کتبی خود را به هیأت تحقیقاتی بازپرسی ارائه می‌دهد. در نظام حقوقی ایران و در ارتباط با لزوم اخذ آخرین دفاع، ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، اخذ آخرین دفاع را در پایان مرحله تحقیقات مقدماتی و ماده ۳۷۱ نیز اخذ آخرین دفاع را در پایان مرحله رسیدگی و صدور حکم پیش‌بینی نموده‌اند. به موجب ماده ۲۶۲، بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارند به عنوان آخرین دفاع، بیان نمایند و چنانچه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کنند یا مدرکی ابراز نمایند که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است. طبیعی است اگر عقیده بازپرس بر صدور قرار نهایی به غیر از مجرمیت (اعم از موقوفی یا منع تعقیب) باشد، لزومی به اخذ آخرین دفاع نیست؛ لیکن اگر عقیده بر مجرمیت متهم باشد، اخذ آخرین دفاع از تکالیف بازپرس است؛ چرا که مطابق منطوق ماده ۲۶۲، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌شود که برای برائت یا کشف حقیقت، هر اظهاری دارند به عنوان آخرین دفاع، بیان نمایند. همچنین مطابق ماده ۳۷۱، پیش از پایان دادرسی، دادگاه مکلف است به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کنند و چنانچه اشخاص مزبور در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کنند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است. سیاق عبارات بکار رفته از جانب قانونگذار در هردو ماده اشاره شده، به نوعی الزام به اخذ آخرین دفاع را هم از جانب بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم از جانب قاضی محکمه در مرحله رسیدگی و صدور حکم را به ذهن متبادر می‌سازد. با وجود اینها، ضمانت اجرای قانونی مشخصی از جانب قانونگذار ایرانی در این راستا پیش‌بینی نگردیده است. به نظر می‌رسد اگر عدم اخذ آخرین دفاع سبب گردد تا متهم از فرصت ارائه آخرین دلایلی که مبنی بر بی‌گناهی او بوده محروم شود، به طوری که رأی صادره برخلاف بین شرع بوده باشد می‌توان از طریق ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، درخواست اعاده دادرسی کرد؛ زیرا آرای که در آن، به دلایل متهم که اثبات‌کننده بی‌گناهی اوست توجهی نشده باشد، مسلماً خلاف بین شرع است که تشخیص خلاف شرع بودن آن با رئیس قوه قضائیه است، در این صورت، این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده دادرسی محسوب می‌شود و پرونده مجدداً رسیدگی خواهد شد. نکته قابل ذکر دیگر اینکه بررسی رویه قضایی فعلی، نشان می‌دهد که صرف نظر از شدت و نوع جرم ارتكابی، عدم اخذ آخرین

دفاع از متهم (چه در مرحله تحقیقات مقدماتی و چه در مرحله رسیدگی و صدور حکم) یا فاقد وجاهت قانونی است^۱ یا از موجبات نقض رأی در دیوان عالی کشور است^۲ به بیان دیگر، سازمان یافته بودن و شدت جرم ارتكابی، مجوز و مستمسکی به منظور استتکاف مقام قضایی از اخذ آخرین دفاع از متهم نیست؛ چرا که اخذ آخرین دفاع از متهم از ملزومات اصل براءت است و در عدول از اصل مزبور، بایستی به قدر متیقن قانونی اکتفا نمود.

نتیجه‌گیری

جهانی شدن دادرسی کیفری؛ فرآیندی غیرقابل انکار و در حال توسعه در سطح محیط بین‌المللی است. فرآیندی که آثار آن بر حقوق اتحادیه اروپا و نظام حقوقی ایران، در سطح اصول دادرسی و الزامات و بایسته‌های ناشی از آنها، قابل مشاهده است. اصل براءت، یکی از مهمترین اصول دادرسی کیفری است و الزاماتی همچون لزوم تفهیم اتهام، پذیرش حق سکوت و نیز ضرورت اخذ آخرین دفاع از متهم، ناشی از پذیرش اصل مزبور هستند. لزوم تفهیم اتهام به عنوان یکی از مهمترین الزامات ناشی از اصل براءت، تأثیرپذیری چندانی از فرآیند جهانی شدن نداشته است؛ به گونه‌ای که دیوان اروپایی حقوق بشر حتی در جرائم امنیتی و مهم نیز صرف اطلاع‌رسانی از جانب مقامات قضایی به متهم را کافی ندانسته و بر لزوم انجام تفهیم اتهام، تأکید نموده است. در نظام حقوقی ایران نیز علیرغم عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای مؤثر قانونی در قبال تخطی از موازین تفهیم اتهام، رویه قضایی، صدور حکم محکومیت متهم بدون تفهیم اتهام را فاقد وجاهت قانونی قلمداد و از موجبات نقض حکم در مراجع عالی دانسته است. درخصوص حق سکوت متهم به عنوان دیگر الزام ناشی از پاسداشت اصل براءت، عدم ذکر صریح حق مزبور در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، فقدان وحدت رویه در بین نظام‌های حقوقی کشورهای اروپایی در این زمینه و نیز تلقی دیوان اروپایی از حق سکوت به مثابه قرینه مجرمیت در جرائم سازمان‌یافته و تروریستی، مواردی است که حاکی از تأثیرپذیری حق سکوت (به عنوان الزام برآمده از اصل براءت) از جهانی شدن دادرسی کیفری است. در نظام حقوقی ایران نیز عدول از موازین حق سکوت در قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با پولشویی، می‌تواند در این راستا تفسیر گردد. پیامد این امر به وضوح در تحدید حق دفاعی متهم مبنی بر سکوت در قبال سؤالات مطروحه ضابطان و مقامات تحقیق، قابل رؤیت است. در مورد اخذ آخرین دفاع از متهم نیز با وجود عدم تصریح الزام مزبور در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، نه در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و نه در نظام‌های دادرسی کیفری اروپایی، تصمیم و مقررهای مشاهده نمی‌گردد که شدت و نوع و یا برون مرزی بودن جرم ارتكابی را مستمسکی به منظور استتکاف از اخذ آخرین دفاع از متهم قرار دهد. در نظام حقوقی ایران، سیاق عبارات قانونی، الزام به اخذ آخرین دفاع را به ذهن متبادر می‌سازد؛ ولی ضمانت اجرای قانونی مشخصی از جانب قانونگذار در این راستا پیش‌بینی نگردیده است. بررسی رویه قضایی فعلی نیز نشان دهنده آن است که سازمان یافته بودن و شدت جرم ارتكابی، مجوزی به منظور استتکاف مقام قضایی از اخذ آخرین دفاع از متهم نیست؛ چرا که اخذ آخرین دفاع از متهم از ملزومات اصل براءت است و در عدول از اصل مزبور، بایستی به قدر متیقن قانونی اکتفا نمود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

۱ - دادنامه صادره از شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۶، موجود در سامانه ملی آرای قضایی: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/34656>

۲ - دادنامه صادره از شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۴/۰۶/۰۳، موجود در سامانه ملی آرای قضایی: <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/22901>

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The globalization of criminal procedure represents a multidimensional transformation that has profoundly influenced traditional legal concepts, particularly the principle of the presumption of innocence. As legal systems increasingly interact through transnational conventions, treaties, and judicial precedents, the boundaries between national and international criminal justice have blurred, producing hybrid procedural norms that reflect both domestic sovereignty and global accountability. Scholars argue that although law was one of the last disciplines to react to globalization due to its inherently conservative character (Nezhendi Manesh & Bazar, 2018), the phenomenon has now become an undeniable legal reality shaping substantive and procedural criminal law (Halliday & Osinsky, 2006). Globalization has penetrated even the symbolic domains of national sovereignty—namely criminal law—which historically embodied the core of state authority. The emergence of transnational crimes such as money laundering, human trafficking, cybercrime, and terrorism has led to the evolution of new criminalization frameworks and procedural guarantees (Giddens, 2020; Robertson, 2014). This convergence of jurisdictions has necessitated a reassessment of the foundational principles of justice, including legality, equality, impartiality, and above all, the presumption of innocence (Brems & Lavrysen, 2013; Moazzin Zadehan, 2000). The presumption of innocence, traditionally a shield against the coercive powers of the state, has become vulnerable to reinterpretation as global crime control regimes prioritize collective security over individual liberties (Asadi, 2009; Habibzadeh & Sadeghi, 2016; Shamloo, 2002). Within this evolving landscape, the central challenge is maintaining a balance between the imperatives of justice and the exigencies of security while preserving the human dignity upon which modern criminal justice is founded.

The influence of globalization on the presumption of innocence can be observed through legislative reforms and judicial practices that subtly recalibrate the burden of proof. In transnational criminal contexts, the complexity of proving organized or cross-border crimes has prompted a shift toward evidentiary presumptions that often invert the traditional principle of *in dubio pro reo*. As one study observes, the increasing sophistication of globalized offenses has compelled legislators to partially reverse the burden of proof and prioritize indicators of guilt over presumption of innocence (Najafi Abherndabi, 2005). In the name of protecting national and international security, criminal procedure has, in some jurisdictions, accommodated the doctrine of preventive justice, wherein certain procedural guarantees are curtailed to ensure effective prosecution of terrorism, corruption, and other high-impact crimes (Javanmard, 2014). This tension becomes most apparent in the obligations arising from the presumption of innocence—specifically, the necessity of informing the accused of the charges, recognizing the right to silence, and ensuring the defendant's final defense. Each of these elements embodies procedural fairness and, when distorted by the logic of globalized security, reveals the fragility of legal safeguards against state overreach. The comparative analysis between Iranian law and the legal order of the European Union, particularly the jurisprudence of the European Court of Human Rights (ECHR), underscores that despite contextual differences, both systems grapple with similar dilemmas: how to harmonize effective crime control with the inviolability of individual rights.

The obligation to inform the accused of the charges constitutes the first major procedural manifestation of the presumption of innocence. This requirement ensures that the defendant is not reduced to a passive object of prosecution but remains an active participant in the pursuit of justice (Ghasemi Moghadam, 2015). In European human-rights jurisprudence, Article 5(2) and Article 6(3)(a) of the European Convention on Human Rights explicitly guarantee that the nature and reasons for arrest and accusation be communicated promptly and intelligibly to the accused. Landmark decisions such as *Saadi v. United Kingdom* and *Fleischer & Sassi v. France* affirmed that delayed or undisclosed notification violates fair-trial principles (Mahmoudi Janki & Jalil Piran, 2021). Even in cases of organized or security-related offenses, the ECHR rejected arguments that the seriousness of the crime could justify derogation from this right (Bahrami, 2012). In Iran, Article 32 of the Constitution and Articles 46 and 6 of the Criminal Procedure Code (2014) similarly require immediate written notification of the charges and reasons for detention (Mahra & Mahmoudian Isfahani, 2017). Yet the Iranian framework lacks explicit penal consequences for non-compliance, resulting in uneven enforcement (Ghadamian Sheikh Abadi, 2017). Despite this gap, judicial practice treats failure to inform the accused as grounds for invalidating convictions, suggesting that, in practice, Iranian courts affirm the same normative weight as the ECHR. Both systems thus converge in principle: the gravity or transnational character of an offense does not authorize deviation from the defendant's right to be informed. This alignment demonstrates that globalization, rather than eroding this obligation, has fostered its universalization through judicial dialogue and the diffusion of human-rights norms.

The second critical obligation concerns the right to silence, which has undergone significant reinterpretation under the pressures of global crime prevention. In the European context, although the Convention does not explicitly mention the right to silence, the ECHR has recognized it as implicit in the guarantee of a fair trial (Delmas-Marty, 2008; Golkhandan et al., 2010). Foundational cases such as *Heaney and McGuinness v. Ireland* and *JB v. Switzerland* expanded its protective scope against self-incrimination (Khalili, 2020). Nevertheless, post-9/11 security concerns and the escalation of organized crime have encouraged legislative tendencies to reinterpret silence as indicative of guilt, particularly under Ireland's 2007 Criminal Justice Act and the ECHR's *Murray v. United Kingdom* decision, which accepted silence as corroborative evidence under strict conditions (Hajideh Abadi & Akrami Sarab, 2010; Mensah, 2002). Critics argue that such developments undermine the equilibrium between collective security and personal liberty (Habibzadeh & Sadeghi, 2016; Moghadasi, 2007). In Iranian law, the 2014 Criminal Procedure Code re-established the right to silence as an explicit statutory guarantee (Article 197), further strengthened by Articles 52 and 61, which oblige police officers to inform suspects of their rights (Salehi, 2021; Saqian, 2014). Yet this progress coexists with exceptions that erode the right, most notably within anti-money-laundering regulations that compel clients to disclose financial information, effectively reversing the burden of explanation (Shahriari et al., 2020). Such provisions illustrate how global economic integration and compliance with international standards can unintentionally subvert fundamental procedural rights. The comparison reveals a paradox: globalization both propagates fair-trial principles and introduces regulatory imperatives that constrain them.

The third dimension of analysis—the obligation to obtain the defendant's final defense—illustrates how legal systems safeguard procedural completeness even under global pressures. This obligation allows defendants to articulate any remaining arguments or evidence before judgment is rendered (Goldoust Jouybari et al., 2018). Although the European Convention on Human Rights does not expressly codify this right, national criminal procedures, such as those of France, have incorporated

it as a matter of judicial fairness (Shakeri & Narimani Konari, 2013). The French Code of Criminal Procedure guarantees the defendant or counsel the opportunity for final remarks, and failure to do so constitutes procedural nullity under Article 171. Similarly, Iranian law, through Articles 262 and 371 of its 2014 Criminal Procedure Code, requires the prosecutor and judge to solicit the accused's last defense before concluding investigations or issuing a verdict. However, Iranian legislation lacks specific sanctions for omission, relying instead on judicial discretion and potential appeals under Article 477 for miscarriage of justice. Despite the absence of codified enforcement mechanisms, Iranian judicial practice—like that of European jurisdictions—has consistently invalidated decisions rendered without the defendant's final defense. Moreover, comparative analysis shows that even in contexts of transnational or organized crime, neither the ECHR nor European national courts have recognized crime severity as grounds for bypassing this procedural step (Javanmard, 2014). Consequently, the universality of this requirement underscores that the presumption of innocence cannot be compartmentalized according to the gravity or cross-border nature of offenses.

The cumulative findings suggest that globalization has produced a dual effect on the presumption of innocence and its related obligations. On one hand, it has fostered the diffusion of procedural norms across jurisdictions through international treaties, judicial harmonization, and human-rights advocacy, leading to an unprecedented level of convergence between Iranian and European criminal procedures. On the other hand, globalization's securitization agenda—manifested in anti-terrorism and anti-money-laundering frameworks—has prompted partial derogations from these same principles. The dialectic between universality and particularity, between harmonization and sovereignty, continues to shape the evolution of criminal justice worldwide. Comparative evidence demonstrates that while European institutions have institutionalized procedural guarantees through supranational enforcement mechanisms, Iran's progress remains largely normative and jurisprudential rather than legislative. Yet both systems reveal the enduring resilience of the presumption of innocence as a moral and legal cornerstone that withstands, though not untouched, the homogenizing pressures of global governance.

In conclusion, the globalization of criminal procedure stands as an irreversible phenomenon redefining the contours of justice in both national and supranational settings. Despite the erosion of some traditional protections, particularly the right to silence, neither the European Union nor Iran has abandoned the presumption of innocence as the foundation of fair trial rights. Rather, globalization has transformed its application into a dynamic, context-dependent principle that must constantly reconcile the competing demands of security and liberty. The analysis confirms that no matter the scale or complexity of crime, the legitimacy of criminal justice ultimately rests on its unwavering commitment to fairness, transparency, and the inherent dignity of every accused person.

References

- Asadi, D. (2009). Principles Governing Criminal Justice in Iranian Law. *Quarterly Journal of Security and Order Research*, 2(4), 98-71. <https://www.sid.ir/paper/188864/fa>
- Babaei Rad, V., & Malmir, M. (2020). The Process of Globalized Criminal Procedure Principles from the Perspective of International Approaches. *Scientific Quarterly Journal of Free Legal Research*, 13(50), 348-335. https://journals.iau.ir/article_690512.html
- Bahrami, N. (2012). The Right to a Fair Trial in Preliminary Investigations in the Jurisprudence of the European Court of Human Rights. *Journal of Legal Research*, 11(21), 132-115. https://jlr.sdil.ac.ir/article_34429.html
- Brems, E., & Lavrysen, L. (2013). Procedural Justice in Human Rights Adjudication: The European Court of Human Rights. *Human Rights Quarterly*, 35(1). <https://doi.org/10.1353/hrq.2013.0000>
- Delmas-Marty, M. (2008). *Major Systems of Criminal Policy* (Vol. 2). Mizan Publications. <http://...> (URL if available)

- Ghadamian Sheikh Abadi, E. (2017). *Informing the Charge in the Prosecutor's Office and Its Effects in the Iranian Criminal System Compared to France* Islamic Azad University, Naragh Branch, Faculty of Humanities].
- Ghasemi Moghadam, H. (2015). Informing Defendants of Their Rights by Judicial Officers: Emphasizing the 2013 Criminal Procedure Act. *Biannual Journal of Criminal Law Research*, 6(2), 153-129. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=294916>
- Giddens, A. (2020). *The Consequences of Modernity*. Markazi Publications.
- Goldoust Jouybari, R., Mir Kamali, A., & Ghabli, Z. (2018). Innovations in the Criminal Procedure Act of 2013 Regarding the Defensive Rights of the Defendant in the Preliminary Investigation Stage. *Biannual Journal of Knowledge and Legal Research*, 4(1), 100-177. https://ajkrl.scu.ac.ir/article_14009.html
- Golkhandan, S., Khosravi, H., Rajabi, A., & Khalili, D. (2010). A Comparative Study of the Effects of the Principle of Presumption of Innocence at the Preliminary Investigation Stage in International Documents, Iranian Criminal Law, and Other Legal Systems. *Specialized Quarterly Journal of Jurisprudence and Islamic Legal Foundations*, 6(20), 142-115. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1058735/>
- Habibzadeh, M. J., & Sadeghi, V. (2016). Identifying and Managing the Defendant's Right to Silence. *Judicial Law Journal*, 80(95), 81-61. https://www.jlj.ir/article_23180.html
- Hajideh Abadi, A., & Akrami Sarab, R. (2010). The Jurisprudential Foundations of the Defendant's Right to Silence in Criminal Cases. *Quarterly Journal of Islamic Law*, 7(25), 62-35. https://hoquq.iict.ac.ir/article_18376.html
- Halliday, T., & Osinsky, P. (2006). Globalization of Law. *Annual Reviews of Sociology*. <https://doi.org/10.1146/annurev.soc.32.061604.123136>
- Javanmard, B. (2014). *Special Criminal Procedure in Organized Crimes*. Jungle Publications.
- Khalili, V. (2020). *The Defendant's Right to Silence in the Laws of Iran, Canada, and France* Islamic Azad University, Ardabil Branch, Faculty of Law and Theology].
- Mahmoudi Janki, F., & Jalil Piran, A. A. (2021). Informing the Charge in Iranian Criminal Law and the Jurisprudence of the European Court of Human Rights. *Biannual Journal of Comparative Legal Studies*, 12(1), 313-329. https://jcl.ut.ac.ir/article_82759.html
- Mahra, N., & Mahmoudian Isfahani, K. (2017). Human Rights Obligations in Crime Investigation in the Iranian Legal System. *Quarterly Journal of Public Law Studies*, 47(2), 329-356. https://jplsq.ut.ac.ir/article_63101.html
- Mensah, B. (2002). *European Human Rights Case Summaries 1960-2000*. Cavendish Publishing.
- Moazzin Zadehan, H. A. (2000). Principles of Criminal Procedure from Imam Ali's (AS) Perspective. *Misbah Quarterly*(34), 40-25. <https://ensani.ir/fa/article/262498/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84-%D8%AF%D8%A7%D8%AF%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%DA%A9%DB%8C%D9%81%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%B9%D9%84%DB%8C-%D8%B9>
- Moghadasi, M. B. (2007). *A Human Rights Approach to the Duties and Powers of the Police in the Criminal Process in Iran* Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities].
- Montazeri Asadi, F. (2006). *The Right of Defense in Preliminary Investigations* University of Tehran, Faculty of Law and Political Science].
- Moqimi, M., & Sofi Zomorrod, M. (2018). The Concept and Scope of Organized Crimes in the Islamic Penal Code (Approved in 2013). *Quarterly Journal of Detective Studies*, 11(44), 64-47. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1422285/>
- Najafi Abherndabi, A. H. (2005). *Criminal Law at the Threshold of the Third Millennium: An Introduction to Fundamental Criminal Concepts by George P. Fletcher*. Astan Quds Razavi Publications.
- Nezhendi Manesh, H., & Bazar, V. (2018). Globalization and Its Consequences for the State. *Quarterly Journal of Treaty Legal Research*, 2(4), 196-175. https://www.mo-lawresearch.ir/article_85017.html
- Robertson, R. (2014). *Globalization: Social Theories and Global Culture*. Thalith Publications. <https://books.google.com/books/about/Globalization.html?id=gmCJCwAAQBAJ>
- Salehi, J. (2020). The Relationship Between the Defendant's Right to Silence and the Principle of Non-Self-Incrimination and Its Enforcement in Iranian Criminal Law and the Judicial Practices of the United States. *Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Research*, 8(15), 30-37. https://jclc.sdil.ac.ir/article_110515.html
- Salehi, J. (2021). Comparative Aspects of the Prohibition of Interpreting the Commission of a Crime from the Defendant's Silence in Criminal Law and Judicial Practices of Iranian and American Courts. *Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Research*, 9(17), 125-103. https://jclc.sdil.ac.ir/article_133152.html
- Salehi, J., & Sokhanvar, M. R. (2010). Components of the Defendant's Right to Speak in Domestic Laws and International Documents. *Judgment Journal*(6), 35-32. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/602952/>
- Saqian, M. M. (2014). Strengthening the Rights and Freedoms of the Defendant in the Preliminary Investigation Stage of the Criminal Procedure Act of 2013. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*, 2(6), 136-113. https://jclr.atu.ac.ir/article_663.html?lang=fa

- Shahabi, M., & Rahmati Far, S. (2013). The Evolution of the Legal Rule-Making Process in the Era of Globalization of Law. *Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy*, 4(13), 128-104. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1790130/>
- Shahriari, M., Shadmanfar, M. R., Heydari, M., & Youssefzadeh, A. (2020). Differential Criminal Procedure in Money Laundering with a Security Approach. *Quarterly Journal of International Legal Research*, 13(47), 433-415. https://journals.iau.ir/article_688693.html
- Shakeri, A., & Narimani Konari, Y. (2013). Obtaining the Final Defense from the Defendant in Iranian Law. *Journal of Legal Studies, Shiraz University*, 5(2), 135-105. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1007619/>
- Shamloo, B. (2002). *The Principle of Presumption of Innocence in Modern Judicial Systems*. Samt Publications. <http://...> (URL if available)